

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

برگردان از: سهراب شباهنگ

۰۴ می ۲۰۱۷

دو سند در باره ستراتیژی امریکا در مقابله با رژیم جمهوری اسلامی

۴

سوریه، عراق و یمن

- در سوریه ایالات متحده باید به دنبال افزایش اختلافات بین روسیه و ایران از طریق تأکید بر ضرورت کنار رفتن بشار اسد به عنوان بخشی از انتقال سیاسی باشد، تحولی که سرانجام روسیه بیش از تهران پذیرای آن خواهد بود.
- واشینگتن باید به عنوان بخشی از هر تماسش با روسیه بر عقب نشینی نیروهای ایران و شبه نظامیان خارجی مورد پشتیبانی ایران – از جمله حزب الله و جنگجویان شیعی که از عراق، افغانستان و پاکستان آمده اند – باشد و تصریح کند که ایالات متحده و متحدانش این حق را برای خود قائلند که در صورتی که این نیروها [در سوریه] بمانند وارد عمل مستقیم به ضد آنها گردند.
- هرگونه مذاکره در باره مبارزه با گروه های تروریست در سوریه باید نه تنها گروه های سنی بلکه گروه های نیابتی ایران مانند حزب الله را دربر گیرد که در ایالات متحده و جاهای دیگر به عنوان تروریست مشخص شده اند.
- تحریم ها به ضد رژیم اسد و تمام افراد و واحدهای مورد حمایت ایران که از او پشتیبانی می کنند باید با جدیت تقویت شوند و در صورت لزوم افزایش یابند؛ افزون بر آن ایران باید به خاطر تحویل سلاح و دیگر پشتیبانی های نظامی به سوریه و به نیروهای شبه نظامی در جاهای دیگر منطقه به خاطر نقض قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل و دیگر اقدامات، تحریم گردد.
- تمدید مأموریت ائتلاف بین المللی در عراق به میزان حداقل دو سال به منظور نشان دادن تعهد جاری (البته محدود) ما به بغداد.
- تمدید تأمین مالی برای ایجاد و آموزش سرویس ضد تروریستی و نیروهای امنیتی عراق.
- فشار بر بغداد برای مقاومت در برابر نفوذ ناروای ایران (مثلاً نهادی کردن نیروهای شبه نظامی مورد پشتیبانی ایران) و پای بندی به قطعنامه های سازمان ملل در باره ایران (مثلاً به ضد انتقال سلاح از ایران) و همکاری در انجام این کار.

- در رابطه با دولت های عرب، به ویژه کشورهای شورای همکاری خلیج [امارات متحد عربی، بحرین، عربستان سعودی، قطر و کویت]، واشینگتن باید فشار بیشتری برای ارتباط و همکاری با عراق به عمل آورد. در یمن باید تلاش ها به منظور منع تحویل سلاح و دیگر اشکال پشتیبانی نظامی به حوثی ها تشدید شود؛ واشینگتن همچنین باید همکاری اطلاعاتی منطقه ئی را برای این منظور افزایش دهد.
- رهبری ایالات متحده باید شرکای بین المللی را برای مقابله قوی با تهدیدهای مورد حمایت ایران به کشتیرانی در تنگه باب المندب متحد کند تا به وسیله نیروهای گشتی، ممنوعیت ها، و عمل مستقیم به ضد هر پرسنلی که آزادی کشتیرانی را با راکت، مین یا سلاح های دیگر تهدید می کند، وارد عمل شوند.
- سرانجام، واشینگتن باید نقش نیروهای شبه نظامی مورد حمایت ایران در نقض حقوق بشر در سراسر منطقه را افشاء کند و تحریم های بین المللی و یک جانبه بر آنان را هرجا که واشینگتن و ملل متحد هنوز اعمال نکرده اند برقرار سازد.
- روندهای عملیاتی نیروی بحری ایالات متحده باید مورد بازبینی قرار گیرند تا به رفتار نا امن و تحریک آمیز نیروهای بحری ایران پاسخ داده شود، بازدارندگی ایران تضمین گردد و خطر برخوردهای ناگهانی به حداقل برسد.
- عملیات آزادی کشتیرانی حفظ شود و در صورت لزوم گسترش پیدا کند تا ادعاهای بحری ایران در خلیج مورد سؤال قرار گیرند.
- تعمیق همکاری و مشارکت اطلاعاتی بین متحدان منطقه ئی ایالات متحده در مورد تحویل سلاح و دیگر پشتیبانی ها از جانب ایران به نیروهای نیابتی و منع چنین پشتیبانی هائی در هماهنگی با متحدان [ما] هر زمان که اطلاعات مقتضی بدانند.
- برقراری مذاکرات سرّی با اسرائیل و متحدان عرب در مورد راه های جدید مقابله با نیروهای شبه نظامی مورد پشتیبانی ایران و در باره محل بعدی گسترش این خطر.
- فشار بر ملل متحد برای پاسخ گوئی به نقض ممنوعیت تحویل سلاح از جانب ایران به گروه هائی مانند حزب الله و حوثی ها.
- به تهران به روشنی فهمانده شود که حمله به نیروهای ایالات متحده و متحدانش از جانب نیروهای ایران یا نیروهای مورد پشتیبانی او با پاسخ محکم و قوی به ضد منافع او مواجه خواهد شد؛ هرجا که منافع ایالات متحده مستقیماً مورد تهدید قرار گیرد (مثلاً امنیت کشتیرانی در باب المندب یا امنیت ناوگان ایالات متحده در خلیج) باید نیروهای نیابتی ایران مستقیماً هدف قرار گیرند.
- افشای حمایت ایران از نیروهای نیابتی منطقه ئی از طریق علنی کردن برخی اسناد طبقه بندی شده اطلاعاتی و توضیحات دیپلماتیک و رسانه ئی؛ افشای لاف زنی ها و ادعاهای گزاف نظامی ایران هر زمان که مناسب باشد.

تحریم ها

- باید توجه داشت که تحریم ها ابزار مهمی هستند (هرچند وسیله ای شکست ناپذیر و حلال همه مشکلات به حساب نمی آیند)، باید پذیرفت که دیپلوماسی تحریم - یعنی جلب توافق دیگر کشورها برای عمل هماهنگ با ایالات متحده و فشار مشترک بر ایران برای گردن نهادن به اقدامات موجود - همان اندازه مهم است که

تحمیل تحریم از جانب خود واشینگتن. اجرای جدی تحمیل های موجود بر ایران – به ویژه بر سپاه پاسداران و نیروهای نیابتی و وابسته به آن – و افزودن تحریم ها در صورت لزوم.

- انتشار «لیست های مراقبتی» وسیع بیشتر از واحدهای متعلق به سپاه پاسداران یا وابسته به آن و شرکت های پوششی به منظور این که بخش خصوصی بین المللی از معامله بدون اطلاع با سپاه بهره‌مندند. افزایش قابل ملاحظه عنوان مؤسساتی که با سپاه مربوطند و پائین آوردن آستانه مشارکت یا کنترل سپاه در یک مؤسسه برای این که در لیست عنوان ها و اسمی [شرکت های ممنوع معامله] قرار گیرد.
- بررسی ایران ایر و دیگر خطوط هوایی تجاری ایران به منظور اطمینان از این که در فروش هر هواپیمائی به آنها دقیقاً الزامات برجام دقیقاً برای مصرف غیر نظامی رعایت شود.
- افزایش تمرکز تحریم ها در عرصه های کمتر سنتی مانند فساد، پول شویی و حقوق بشر به منظور گسترش پشتیبانی بین المللی. جلب محکومیت بین المللی ایران به خاطر تهدیدهای ضد اسرائیلی اش.
- فشار بر دولت های منطقه برای تضمین رعایت تحریم ها به ضد ایران از طریق تقویت گردآوری اطلاعات، بازرسی محموله ها، و امنیت مرزهای بحری و زمینی (مثلاً مرز بین عمان و یمن) و در صورت لزوم تقویت توانائی آنها برای انجام این کار.
- فشار بر دیگر کشورهای خارج از منطقه برای این که نه تنها به تحریم ایران متعهد باشند بلکه تعهد خود را از طریق جمع آوری اطلاعات و برداشتن گام هائی به منظور پشتیبانی قوانین داخلی شان از اجرای تحریم ها تقویت کنند.
- ادامه فعال آموزش بخش خصوصی بین المللی در زمینه وظایف مربوط به رعایت تحریم ها نسبت ایران.

عرصه های دیگر

- استقرار جمع آوری اطلاعات و همکاری بین المللی با هدف گیری فعالیت های تروریستی، اشاعه هسته ئی و [اعمال] تبهکارانه ایران و نواب او، به ویژه حزب الله در خارج از خاور میانه.
- با توجه به مواد هسته ئی و دانش هسته ئی ایران و گسترش فعالیت چرخه سوخت هسته ئی در نقاط دیگر جهان، باید تلاش های ایالات متحده در جهت امنیت هسته ئی و رژیم عدم اشاعه هسته ئی جهانی تقویت شود.
- در انطباق با هر «دکترین سایبری» ایالات متحده، به ایران در زمینه فعالیت های مجرمانه سایبری به ضد ایالات متحده و متحدان او هشدار داده شود و هنگامی که ایران به چنین کاری دست بزند هزینه سنگینی بر او تحمیل گردد.

رکن سوم: تقویت اتحادهای منطقه نی ایالات متحده

در حالی که معتبر بودن [قابل باور بودن] اقدامات تنبیهی برای بازدارندگی مؤثر مهم است، دفاعی قوی مسلماً اهمیت حیاتی بیشتری دارد. برای این منظور، تقویت متحدان ایالات متحده در خاور میانه باید عنصری کلیدی در سیاست امریکا در مقابل ایران باشد. دو اصل باید راهنمای چنین تلاشی باشند. یکم، این تلاش باید تهدیدهای واقعی را که این متحدان با آن روبه رویند حل و فصل کند. این تهدیدها تا حد زیادی ماهیتاً غیر متقارن اند؛ ایران به صورت متعارف متحدان ایالات متحده را زیر سؤال نمی برد، بلکه از طریق تروریسم، جنگ نیابتی، جنگ سیاسی، سرنگون سازی شبیه جنگ «دو رگه» یا «خاکستری» روسیه در اروپا این کار را می کند. ایران همچنین

نیروی راکتی وحشت انگیزی در اختیار دارد که باعث می شود دفاع ضد راکتی در صحنه اهمیت زیادی پیدا کند. دوم، هدف ایالات متحده باید این باشد که تا حد امکان یک سیستم اتحاد چند جانبه بنا کند و نه یک رشته اتحادهای قوی دوجانبه ولی جدا از یکدیگر. خاورمیانه، به ویژه منطقه خلیج، از نظر جغرافیائی مترام است که باعث می شود هماهنگی و عملیات متقابل بین نیروها الزامی باشد. نوعی اتحاد چندجانبه منطقه ئی – هرچند منطقه چند دهه از «ناتوی خاورمیانه» به دور است – می تواند سکونی برای متحدان ایالات متحده برای حل مسایل منطقه ئی با حداقل مداخله خارجی به وجود آورد، تعادلی که هم مورد استقبال منطقه و هم ایالات متحده است.

هماهنگی منطقه ای

- همان گونه که بالاتر پیشنهاد شد: احیای مذاکرات امنیتی خلیج که در زمان جورج دبلیو بوش طرح شد و گسترش آن به نحوی که اردن، مصر و مراکش را هم دربر گیرد. مذاکرات امنیتی خلیج شش رکن داشت که همه آنها اکنون نیز بجا هستند: (۱) ظرفیت دفاعی شورای همکاری خلیج، (۲) موضوعات مربوط به امور امنیتی، (۳) مقابله با اشاعه هسته ئی، (۴) مقابله با تروریسم و تأمین امنیت داخلی، (۵) حفاظت از زیرساخت های حیاتی که دفاع سایبری هم باید به آن اضافه شود و (۶) پشتیبانی از عراق. قدرت های خارجی مانند اتحادیه اروپا، روسیه و چین باید برای نظارت و ارائه کارشناسی دعوت شوند.
- از طریق مذاکرات امنیتی خلیج + ۳: (۱) مشارکت اطلاعاتی و ادغام اطلاعاتی با تمرکز بر ایران و گروه های تروریستی تقویت گردد. (۲) مذاکره برای تأمین نظامی () (اداره سرمایه گذاری یک کشور در فن آوری ها، برنامه ها و محصولات لازم برای ستراتیژی امنیت ملی و پشتیبانی از نیروهای مسلح. هدف عبارت است از به دست آوردن سریع محصولات با کیفیت که نیازهای مصرف کننده را برآورده کند و ظرفیت انجام مأموریت ها را به قیمت مناسب بهبود بخشد. مترجم) و آموزش نظامی و افزایش کارائی نهادهای امنیتی داخلی و خارجی به جای خرید هرچه بیشتر و سنگین تر سلاح به پیش برده شود. (۳) پیشبرد مذاکره برای مقابله با تهدیدهای ویژه ای که ایران به وجود می آورد – از جمله «مقابله با دستیابی و طرد از میدان» (۴) تروریسم، حمله سایبری، راکت ها، تلاش برای براندازی و جنگ سیاسی – ، با درس گیری از صحنه اروپا.
- جست و جوی فرصت برای مذاکرات بین مذاکرات امنیتی خلیج + ۳ و اسرائیل به ویژه در امور مربوط به امنیت منطقه، مقابله با اشاعه هسته ئی، مقابله با تروریسم، حفاظت از زیرساخت های حیاتی و برنامه ریزی ستراتیژیک به منظور تشخیص خطرهای آتی و چگونگی جلوگیری از آنها.
- سرمایه گذاری در دفاع ضد راکتی منطقه ئی.
- برنامه ریزی برای [مقابله با] همکاری محتمل بیشتر بین روسیه و چین با ایران و تقویت توانائی «مقابله با دستیابی و طرد از میدان» ایران که باعث محدود شدن آزادی عمل ایالات متحده و متحدان او می گردد با درس گیری از تهدیدهایی که در اروپا و آسیا – اقیانوس آرام صورت می گیرد.

تلاش های دوجانبه

- ابتکار مذاکرات دوجانبه با هر متحد منطقه ئی ایالات متحده برای تعیین آسیب پذیری های کلیدی، کمبودهای کارائی، نیازهای تجهیزاتی او با درس گیری از منازعات اخیر مانند یمن.
- اصرار بر متحدان [ما] برای افزایش کارائی، سرعت واکنش و پاسخگو بودن نهادهای سیاسی، امنیتی و اقتصادی شان و مراقبت آنها در مورد نارضائی عمومی و تضمین مقاومت در برابر اقدامات سرنگون سازی ایران و یا گروه های افراطی.

- ابتکار مذاکره در سطح بالا با اسرائیل در مورد خطرهای منطقه از جمله ایران و سوریه که تا حد زیادی در برگیرنده مسؤولان نظامی و امنیتی است اما از سوی کاخ سفید و دفتر نخست وزیر [اسرائیل] هدایت می شود. برقراری یک کانال [مستقیم] مطمئن بین کاخ سفید و دفتر نخست وزیر [اسرائیل].

مذاکره با ایران

- حفظ کانال های مذاکرات دیپلماتیک با ایران. مذاکره با ایران به صورت جمعی انجام شود و هر زمان که ممکن باشد با شرکت متحدان منطقه ئی صورت گیرد.
- تشویق متحدان ایالات متحده به مذاکره با ایران ولی با تضمین این که مذاکره از موضع قدرت و با پشتیبانی ایالات متحده باشد.
- گسترش تماس مردم ایران با ایالات متحده از طریق مراودات مردم با مردم و صدور ویزا. بیان حمایت از حقوق بشر در ایران.
- پرهیز از مذاکره داد و ستدی با ایران (مثلاً در مورد مبارزه با قاچاقچیان مواد مخدر در افغانستان) که به نفع رژیم تمام شود بی آن که موجب بهبود سیاست های ایران در مواردی که برای ایالات متحده و متحدانش اهمیت اساسی دارد گردد.
- مذاکره باید تنها همچون ابزاری در میان دیگر ابزارهای سیاسی در نظر گرفته شود و نه چیزی که به خودی خود مطلقاً خوب یا بد است. مذاکره باید هنگامی صورت گیرد که شرایط و ستراتیژی آن را دیکته کنند.

منبع:

<http://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/deterring-tehran-an-iran-policy-for-the-new-administration>

پانویس ها

- ۱- منظور مؤلف از «تجدید نظر طلبی» به زیر سؤال بردن نظم موجود در خاورمیانه (و به طور کلی نظم غالب بین المللی) و منافع امریکا و متحدان اوست. مترجم
- ۲- یا «انکار پذیری باور کردنی» plausible deniability. این اصطلاح از نظر حقوقی برای توصیف وضعیتی به کار می رود که در آن نتوان به خاطر نداشتن مدرک، انکار داشتن مسؤولیت یا اطلاع یک فرد یا ارگان از وقوع عمل خلافی را رد کرد. این اصطلاح به ویژه توسط سیا در دوره زمامداری کندی رواج یافت و غالباً در مواردی به کار می رود که ادعا می شود مقامات بالا از عملی غیر قانونی و یا مذموم که توسط مأموران انجام شده بی خبر بوده اند، عملی که در صورت علنی شدن می تواند باعث تعقیب قضائی یا بدنام شدن مقامات بالا گردد. این کار از طریق نداشتن یا ندادن مدرک و اطلاع رسمی یا دسترسی دشوار به آن عملی می گردد. واژه های «ظاهراً قابل قبول» یا «باور کردنی» دلالت بر نبودن مدرک برای احراز مجرمیت دارد که موجب می شود، انکار اطلاع یا مسؤولیت از جانب دولت یا مقامات بالا موجه جلوه کند. مترجم.
- ۳- قدرت نامتقارن مربوط به جنگ نامتقارن است یعنی جنگی که در آن یک طرف به لحاظ توانائی های متعارف جنگی بسیار قوی تر از دیگری باشد. در چنین جنگی طرف ضعیف تر نه از وسایل متعارف بلکه از سلاح ها و روش های نامتعارف بهره می گیرد مثلاً روش های چریکی، یا استفاده از امکانات سیاسی، مثلاً حمایت یک قدرت بین المللی یا جلب حمایت افکار عمومی به ضد طرف دیگر یا تکیه بر فعالیت های سیاسی یک حزب یا نیروی طرفدار خود در سرزمین یا در منطقه نفوذ طرف دیگر، یا انتخاب عرصه دیگری از جنگ که طرف قوی تر بدان توجه نکرده یا به آسانی قادر به مقابله در آن عرصه نیست، یا عرصه

ای که به طور موضعی در آن از مزیت های خاصی بهره مند است و غیره استفاده می کند. از دیدگاه ستراتیژیست های غربی سیستم راکتی ایران، توانایی های ایذائی و کنترولی رژیم در خلیج فارس و به ویژه تنگه هرمز، نیروهای شبه نظامی نزدیک یا وابسته به او در لبنان، سوریه، عراق، یمن و غیره جزء قدرت نامتقارن رژیم جمهوری اسلامی به حساب می آیند. مترجم.

۴- «مقابله با دستیابی و طرد از میدان» Anti-Access/Area Denial یا به اختصار A2/AD. این اصطلاح در سال ۲۰۰۳ از سوی «مرکز ارزیابی های ستراتیژیک و بودجه ئی» CSBA امریکا به کار رفت. منظور از «مقابله با دستیابی»، آن اعمال دشمن است که مانع حرکت نظامی به صحنه عملیات می شود و منظور از «طرد از میدان» عملیاتی است که مانع آزادی عمل در عرصه ای می شود که در اختیار دشمن است. منظور از «عرصه» فقط زمین نیست بلکه عرصه نه تنها زمین بلکه بحر، هوا، فضاء و اطلاعات را نیز در بر می گیرد. مترجم.

یادداشت ها

الف) برای بررسی کامل موضوع کانال تأمین توافق هسته ئی، مقاله زیر را ببینید: دیوید آلبرایت و آندرا استریکر، «کانال تأمین توافق هسته ای ایران: غلبه بر موضوعات روز پس از پیاده شدن»، مؤسسه علم و امنیت بین المللی، ۲۱ اپریل ۲۰۱۶

http://isis-online.org/uploads/isis-reports/documents/JCPOA_Procurement_Channel_Post_Implementation_Day_21April2016_Final1_1.pdf

ب) برای بررسی کامل نقش تحریم ها مقاله زیر را ببینید: کاتریت باوئر، پاتریک کلاوسون و ماتیو لویت، «تقویت نقش تحریم ها در محدود کردن ایران» (مؤسسه واشینگتن برای سیاست خاور نزدیک)

<http://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/reinforcing-the-role-of-sanctions-in-restraining-iran>

پ) برای بررسی کامل موضوع «مقابله با دستیابی و طرد از میدان» مقاله زیر را ببینید: مارک گانزینگر و کریس دوگرتی: «از بیرون به درون: اقدام از میدان عمل برای شکست تهدیدات «ضد دستیابی و طرد از میدان» ایران» (مرکز ارزیابی های ستراتیژیک و بودجه ئی، ۱۷ جنوری ۲۰۱۲)

فروردین [حمل] ۱۳۹۶